



ص ۱

بازجویی از مشرف (سید) کلانتر نظری فرزند جنف

س - حجت ~~آقا~~ کلانتر نظری (فرزند جنف) تلف شروع کرده و فرموده
که به همین طرف نظر کار فرماید

ج - در مورد سید مشرف در بازجوئیهای پیشین در قبلی توضیحی نمی دادم زیرا فعالیتها را آنها (مشرف و میر تقی میر) هم زمان با هم کرده - مضافاً اینکه پس از دستگیری میر تقی میر و دستگیری باقر اسفندیجانی که افراد با هم داشتند نزد هم می گردیدند اگر چه در دو خانه بهمی گشته اند وقت آن گشته بودیم بناچار گذشتیم و همه اطلاعات در دستشان و مالورفته تلقی کردیم دو سه روز بعد از آنکه که تا آنروز هم دیگر با پیدا کرده بودیم بهتر است صفائی و صفایک و چندان کرده کیوان زاده، سرور افشار، احمدیانی (سید مشرف سیاحت کوچه زاده) و من بودیم همه ما تقسیم گرفتیم برای روشی شدن وضع آینده مان و رفع سوءگمانی به جنگل برویم ما به جنگلهای جنف می علم کرده (نزدیک شهر حدود ۱۰ کیلومتر) رفتیم حدود هفت الی ۱۰ روزی آنجا بودیم و از آنجا که رود به لاریج رفتیم - کلانتر بود حجت - علم کرده و لاریج جنف برآمده است (مسلوبه یا شهرستان) در ۳۰ کیلومتر جنوبی محمود آباد است) و بین راه که استراحت نمودن داشتیم صفائی هم میکردیم صحبت با بیشتر مردان به خط خودمان میشد که با منی در شهر تهران با گرفتن خانقاهی جمیع محسن شویم و از کار و زندگی صفائی ببریم و کوشش کنیم چند نفری را که میشناسیم با گروه آورده اند در راه امکان پیدا کنیم در یک نام که گفته اند منشی و مورخان صحبت بود و چندان چیزی از صفائی نشنیدیم بجز آنکه در موارد ناگهانی تغییرات عمده کرده اند که حرفهای بلند افراد همین گروه در شهر بوده آن بود و دیگر آنکه از تمامهای اضافی در جنف مورد عین الحاق و جلد گیری شد - در آنجا طی کنجا قبول کردیم با این تعداد مختصراً احیاناً چند نفر دیگر بیشتر اینم جنگ چریکی دادند که راه بیاندازیم با منی در شهر تیمانی داشتیم که بتواتر تواتر کرده و تعداد کم گفتند و صفائی چریکی شهر همین لاریج داشته باشد در آنجا با اطلاع ما با مور منشی در کردیم کار کرده بدون سر غیر ممکن است و اصل تطبیق عملیات در شهر و خارج از شهر عملاً استقامت در منشی گرفتیم در صورت شروع عملیات چریکی افراد حاضر در جنگل به چه شکلی بر فرود خواهیم کرد و شیوه شکست از مرحله استراتژیک در آنوقت بودی صحبت شد و در این باره اگر چه چریکی آ - آورده اند شنیدیم
یا آورده به بنیابینی ۳ - جنگ آورده اند صفائی تصور میکرد مشران جنگ چریکی را با همین تعداد کم از جنگل شروع کرد و این تزیی لغت را با هم مقابله شد بدون شهر ممکن نیست و آنچه شروع عملیات در شهرستان غیر ممکن است زیرا طبیعت مانی است که منشی و دستار منشی بر علیه چریکی در ابتدا قرار گرفته نه اینکه علیه منشی منی با توجه به منشی بودن در مقابل نزدیک و بیف زیاد که با همی پیاده روی برای نبرد و خود را از گردن ها غیر ممکن میدانند و اینکه نیروهای منشی از قدرت بسیج بر فرود آورند با استفاده از امکانها شان مثل همین که پترو پمپها و موتور دیزل



قبل از حضور قبل از آمدن به جسد دارند و نهایتاً اگر هم صفت نشان دهند که در این باره دیگر کرده و نیز در این باره
 شخصی هم نموده پس از این کار صنادیک منزل بستگانش برای احوال پرسی رفت و از آنجا شنیده بود که حضور
 پولی و انسان را گرفته و نگه داشته اند و تصور کرده بودند که سارقین یعنی اینکار را کرده اند و به آنجا هم اطلاع
 داده بودند و در این باره از مهندس ۹۰ کیلان زار با شخصی که او را پیدا و پستی معرفی کرده بود پرسیدند و مهندس این
 شخصی از دوستان سابق دانسکه و او بود و در فعالیتها بسیار چیره و چستی با هم آشنا بودند بعد هاروش
 که این شخصی خود را معرفی کرده و اهدام کرده است او از سببهای حسن ظرائف بود که پس از دستگیری از طریق
 با قطع تماسی سرگردان بوده و بالاخره کیلان زار را که دیده اند روی سادگی میگردد که رفتنش را گرفته اند و اینکار
 طوری شده که تماسی قطع شده و حالاً در جنوبی ادست بالاخره کیلان زار را که واری کار را در آورده و در همه سبب
 سببها حسن بوده و پس از این با او ارتباط میگردد و میگردد دوستش را گرفته اند و به هر دو میگردد و خبر با گرفته
 او بوده کیلان زار و بجز حسن طی گفتاش با دیدارهای مکرر با پیدا و پستی نظر میدارند او بود و نیز در اما امکانات
 زیادی دارد و نظار فرزند جعفر و در دو بریای او بودند از سادگی او تا ماضی بودند از احوالات خوبی ندانند
 او را مطالبات مجلس سرگرم میکنند او گفته بود معتزانه می توان بی سازد در احتیاج به مبلغ پول دارد تا در این
 در زمانها که بخورد پول در اختیارش گذاشته اند و مشغول کار است بود او را حتی آن زمان هم میکردند و می دانستند
 رفتاش را به قدر برشته بالاخره تا سهائی بین رفتاش بسیار حسدک بودند کیلان زار و گفتاش
 برقرار شده بود و چند نفر را دیده بودند که از آنجا که در بانک کار میکرد و مناسب شخص داده بودند
 آنرا می کردند این آنرا پس عبارت بود از اینکه این شخصی موجودی بانک خود را شب همه از بانک برداشته
 و خود را تهران بیاید و در صورت انجام این عمل پدرش را توبی گرفته و بگویند بجای خود که در دو احتیاجی
 نیست و این عت آنرا پس بوده است او هم اینکار را کرده و عدد پنجاه یا شصت هزار تریک با همراه
 خود تهران آورده و با یکی از بچه ها گفتاش یا بی حسن پیدا یا کیلان زار تا کسی گرفته بود که با این شخصی
 فرزند یا بستگانی بوده که بعد از زندان بستیم در آن موقع کارها نسبتاً با محکم کار پس رفتند اما بعد ها
 بر اثر و نگاه از افراد جدید و نبودن کارهای در زندان کی چون گفتاش و صنادیک در کنار این افراد جدید باقی
 ماند و عضو گیرها توسط حسن پیدا بودند به حالت اصول گردن و پنهانکار حسد گرفته و افراد را شام
 بیست و به خاطر سببها شکر و با استفاده از روابط حاجتی و دوستیها که ساده دیگر شده متعهد کرده و دارد کار کرده
 بدون توجه به کیفیت آنها و داشتن برنامه های تنظیم و حمید اشرف چون نسبتاً نگه داشته باقی مانده بود و
 چند آن نقاله متقی از خود برزنده بوده که آنرا پس رفت و همچنین شریعت زاده بعزت سوابق تبلیسی در کار
 بسیار و با اهدام به شخصیت افراد دیگری چون جزئی در ظرائف که او را برگردانده بودند به آنرا پس رفتند و اعضا



بازجویی از مشرف (سید) طاهر لطفی فرزند جعفر

تقل از صنف نقل - رسی بحساب من آمدند به نظر بر که گفتم علی حقیقتی و کیمان زار و گاهی عنایه را با حمید مشرف و شریعت زاده و اسکندر حادقی فراد تمام سهرانی دیگر گفتند و تقدیرش این بود که این افراد لو زرفته کارها را تحمل گیرند زیرا هر یک از آنها در گذشته اول فراری محسوب شده و قصد فرار از کشور را داشته و ترتیب افراد جدید را به آنها معرفی کردند و با اصطلاح برای آن تقسیم کار کردند - در این موقع (عدد اول او فرزند بی و در بیست ۵۷) بیشتر روی حمید مشرف و اسکندر حادقی است که نقش اداره کننده خواهمند داشت و در درجه شریعت زاده چون شریعت زاده در گذشته پس از دستگیری بیشتر در وقت استی و سهری نشان داده بودند و به غیر از آنکه کار برود و با نزدیک شدن خطر میزدانسته جا بزنند - ضمناً که قبل از اینک برای خود در خانه غرضه میگردیم حقیقتی که با آنها تا کسی داشت نقل میکرد اسکندر و حمید در کارها با شریعت زاده (میرزا) اختلافاتی دارند و اسکندر از ادعیه که در محاکمه کار میکرده و بیشتر نقش دفع اللدنه را دارد و ترکی در ادعیه نیست و حمید هم گفته از او این حرفها را تأیید کرده بود اما تا تصور میکردیم مشرفی از آنها جدا شد کردیم محض قطع تماس حقیقتی و کیمان با اینها باقی مانده و از آنکه شهادت در حق رفته باشد با شریعت زاده بود فرصت را غنیمت شمرده و آنها را ترک کرده است (به نقل از صحبتهای مهدی باغ در زندان از قول حمید مشرف) چون آنها بعد از اینها شناختند و امکان پیدا کردند او را انداختند و این بیشتر به عقل درست میآید که او این وقت را روز شکار میکرد - حمید مشرف در این موقع به نقل از حقیقتی بسیار خبر نسزد و با احتیاط بوده و گروه را تمهید سازمان میکرد اصلاً در این زمان کار آنها بیشتر ترتیب افراد جدید پیدا است اگر چه خود حقیقتی تا خود را در کار سیاسی و یا هر یکی نداشتند اسکندر حادقی فراد هم بقول حقیقتی جدلاً با احتیاطی اما که آتش مزاج بوده و همیشه که مشرف داشته زودتر افراد ترتیب شده به عمل گسیخته شدند و بقول خود می با کارهای خطرناک از زندگی عادل بریده و دیوانه است سرشان را خراب گفته که راهی برای بازگشت به زندگی عادل باقی نماند در این موقع از فراد با اسکندر کار میکرده و بیشتر بکوه میرفته تا شناختن کوهها به حدیث صحیح خارج از شهر (عروضی بادیه شهر و شهرکیش) را انجام دهد - در عرضی که من دانستم حقیقتی پس از دستگیری بیشتر به دفعاتی ظریفی را در این راه به آنجا میبردیم خط میگردیم زیرا او در خانه نمی زندگی میکرد و برادر با دوستانش مخفی شده بودند و بیشتر در آن نظر با عرضی حمید را که موجب مایه از جمله اینک سر کار میماند برود که اگر ساداک به مخالفان آمد به کارشان با شکران باشد میبندند شام فرود کار برده و در این ترتیب پس از آن اظهار داشت بیایند بخانه من افراد تشکیلات تهران من گسیخته تا از شما حفاظت شود تا آنکه از دست آنها نماند بیرون آیند و کلاً خیلی دست کم گرفتن قدرت و امکانات پلیس را برای دستگیری ما که معلوم کردیم که در این ترتیب ترافیک خود را در آنجا سهرانی دارد و حقیقتی را میگردیم را در میان گذاشته و قصد همکاری با آنها را در این



بازجویی از معروف (سید) کلاسیک نظر فرزند جعفر

نقل از صفحه ۱۱ و اینها مربوط است که از طرف صفائی و افشار که ادانه دهندگان تاسی با او بودند طبق
تصمیم صفائی من و در درجه بعد افشار چون زاده و کیان زیاد با او گفته شد در صورتیکه جعفر
نشود بخانه تاسی آنها یا بگویند خانه تاسی جدید فرشته و زندگی حرفهای نکند (زیرا از نظر ما او هم لایق نیست بود) البته
تخالص نظر است که تمهیدات در عملیتهای ما نیز به قطع تاسی عمداً پنهان بود و خود عمده اندیشه او (ظرفینی) با دریافت این
تصمیم در کتابش تعاضل و ملاقات با ما کرد که نه من حاضر شدم بروم و نه دوستان اجازه دادند (صفائی و
صفائی) زیرا در قرار بود پس با صفائی و افشار که با کتت تعقب قرار گرفته بودند چنین احساس میکردند
و این رنگ خطر بود اما افشار داد و طلبانده خواست بر قرار کرد ظرفینی که از آنجا بود و در آنجا علی صفائی
و صفائی مراقبت کرده بودند و بلاغره بر قرار رفت و دستگیر شدند (ظرفینی و افشار) و از این پس
دوستان احتیاطی بیشتر اندک کرده و دیگر تاسی با او نگذاشتند بعد همانصیدیم ظرفینی در منزل و با او
بود با احساس شهریار که برود کرده و با او در اعداد گروه مان مشورت میکرد و عیناً صحبت قرار خودی
را گفته و محل قرار را هم داد و خواسته بود با تاسی ظرفینی را برسانند گفته بود احتیاطی نیست با کسی بروم و
بعضی ترتیب از این ظرفینی و افشار بدام آید و این اطلاعات داده شده این مشورتها بود که در
شهر ساواک نتواند بعد از چند ماه طرح جز باند و عالیسی را ببرد اجرا کند و در واقع در این وقت تاسی
با غریبان بمنزل بروم نیز نتواند زیرا هیچکس و بزرگ گروه را شناخته بودند مضافاً اینکه باز جوینها و اطلاعات
داره گفته از جانب دوستان در زندانهم فریب حلت بوده است پس معلوم شد که چرا من بر قرار ظرفینی
نرفتم و چرا او دستگیر شد چون به شهریار گفته بود آخرین قرار را با مسئول قرار میداد پس از این دیگر
تاسی نخواهد داشت و شهریار هم به اعتقاد و عدائی و طرح ظرفینی از کار گروهی در سینه با اعتقاد آگاه من دانست
و طرح اولیه ساواک برای دستگیری با انگشت رو برداشته بود و این طرح عالی بعدی من موفق شد که برای من
بسیار آهسته آهسته بدو دانستم بیشتر بخورد با و میدادم و به ساواک خبری نگفتم

ح. نظرات خود را با اعضا گروه مکتب کنید



۴ - هويت نادر شعوف که در نظر انجمن است نسبت به وضع دهيد. آنکه حکم تميز نموده اير جديت ديگر شعوف و هم نظر ديگر آنکه تميز نموده اير

ج - ناکت بر طبق به منطقه علم کرده میباشد که منطقه ای فوق العاده حسب البرور بوده و مورد توجه تمام کشورهای جهان بوده و البته که هندوی خارجی هر ساله از سر اسر دنیا برای حدود ۴۸۵۰ نفری آن با ایران آمده اند از آنجا که اینجانب یکی از راهبان این منطقه که هندوی بوده ام و این منطقه زیبا که هندوی را دوست داشته ام در زمان ناکت آنرا سا حتم و هدنی هر سرگرمی نداشته ام - این منطقه در جغرافیای ایران بنام تخت سلیمان معروف است (که تحت سلیمان یکی از ملوک فرعون حکم کرده است) این منطقه در شمال مدار ۳۹ درجه و کتار نصف النهار ۵۱ درجه است و راه آن از مرزین آبار و جالوس است که به کلاردشت میرود - از کلاردشت به رود بک رفته و از آنجا به مدار می آید و در آنجا به رودخانه و صفت رمالا غروب یکی از راهبان من می باشد و این را اینجانب کرده و در اصفهان بکنند البته در صورت نیاز اسامی دیگر قلم و ذکر خواهد شد

۵ - وضع دهید از نظر نظامی و با عیادت چه که به عقیده شما می توانم از وجود این زمین استغناء نمود در صورت امکان بر نظر در انجمن که در هر یک از اینها

ج - ملاحظه که عرض کرد این منطقه از نظر که هندوی فوق العاده اهمیت دارد اما از نظر نظامی هم در آن مورد توجه میباشد زیرا این منطقه فوق العاده حسب البرور بوده و اصل کوچک را از این میبرد مثلاً شهابی این منطقه برنا کشته است (۵ درجه عرض) و اینها اطراف آن نیز دیگر اینکه تمام منطقه صخره ایست و درگیری با صخره از نظر نظامی در آنجا است البته مناطق مجاور این منطقه که در ناکت دیده میشود و جنگل بوده و البته منطقه ای جالب برای جنگهای چریکی است

۶ - نسبت مناطق مجاور آن و نقش و سهم فرزند و چون استغناء از آنکس نامند

۸ - مناطق مجاور آن وضع خاص ندارد و می توانم اتصالاً جنگل و مناطق که پنهان شدن آنجا در ایران همه مناسب جنگهای چریکی بوده و البته این مناطق مجاور در غرب تخت سلیمان دره سحر است که تا حدودی در آنجا دارد - منطقه هندوی ناکت که پنهان بودن و نماند جنگل است اما نسبت که در آنجا و امکان زمین و جهت و چیز دیگر مناسب است که آنجا در دره الحاقان میباشد نسبت شرقی این منطقه دره دلبر است که به دره بند جالوس میرسد و منطقه ای جنگلی است - منطقه شمالی به جنگلها غتم میشود که به عباس آباد (بین جالوس و شهریار) میرود این دره سرد است که از زیره قله علم که شروع میشود به کلاردشت رفته و به عباس آباد یا ساسان کلید (نقل نم) میرود - این مناطق (علم کرده) داخل که هندوی بهای ۱۳ ساله قبل خورد آمد و حتم ام لازم شد که است که جناب شما که هندوی در دره و الیون که هندوی ایران مشغول است

۹ - غیر از مناطق آنکه کور هم مناطق مستعد جنگ چریکی است و اصولاً تحریک انقلاب را از آنجا می شروع

ج - اصولاً این دره است از آنجا بالا که قلم هم نمید و مورد توجه که هندویان بودن به در کار چریکی میخورند اما مناطق پائین آن که در بل الحاق با دره زمین اینها صخره ای میباشد که آنجا درگیری آن شده و در مورد که خبر است - این مناطق